



Comparative Analysis of the Representation of the Literature of Nations in Persian textbooks of the Early Iranian and Arabic Periods (Mother Language) of the Early Egyptian Period

Farzane Haeri¹, Ali Zare Zardeini*²

1. Department of Educational Management, Shahid Chamran Campus, Farhangian University, Tehran, Iran. h.farzane01@yahoo.com

2. Corresponding Author, Department of Educational Science, Farhangian University, Tehran, Iran. azare@cfu.ac.ir

ABSTRACT

Keywords

Arabic language,
content analysis,
curriculum,
Egypt,
Iran,
Persian language,
Textbook,
World literature.

¹. Corresponding author
azare@cfu.ac.ir

Received: 2026/03/10
Reviewed: 2026/05/07
Accepted: 2026/05/18
Published online: 2026/06/10

Background and Objectives: World literature is one of the tools for children to communicate with the outside world and is a way to familiarize them with the culture and interactions of people from different countries. The purpose of this study is to analyze the comparative representation of world literature in Persian textbooks of the early Iranian period and Arabic language teaching books of the early Egyptian period. **Methods:** In this research, the method of analyzing the content of compilation 'qualitative- qualitative approach has been used with a comparative approach that was analyzed in the qualitative method by examining the themes of textbooks according to the literature of nations. And in a quantitative way, descriptive statistics indicators were used to compare. The statistical population is 6 Persian textbooks of elementary school in Iran and 6 books of elementary Arabic language teaching in Egypt. **Findings:** The findings show that the content of world literature in Persian and Arabic books is less than 50% and the percentage of abundance and popularity of topics related to the stories of the world literature is more than the components of the texts of the textbooks reviewed. **Conclusion:** According to this research, the results indicate that the share of world literature in Iranian Persian books is less than that in Egyptian Arabic books. Also, in terms of symbology and comparison of national symbols and nations, the level of similarity is very high, indicating that world literature is highly consistent with national literature. It is further suggested that educational policymakers should review and create more diversity in Persian textbooks by emphasizing the development of intercultural competencies, familiarity with the literature of nations, and utilizing the potential of world literary texts in the educational process.

ISSN (Online): 2645-7164

DOI: 10.48310/edup.2026.22089.1455

Citation (APA): Haeri, F. and Zare Zardeini, A. (2026). Comparative Analysis of the Representation of Nations Literature in Persian Books of Early Iran and Egypt. *Teacher Education Policy*, 8 (1), 43 - 54 .

 <https://doi.org/10.48310/edup.2026.22089.1455>

تحلیل تطبیقی بازنمایی ادبیات ملل در کتابهای فارسی دوره ابتدایی ایران و مصر: رهیافتهایی برای سیاست‌گذاری برنامه‌های تربیت معلم

فرزانه حائری^۱، علی زارع زردینی^{۲*}

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید چمران، تهران، ایران. h.farzane01@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. azare@cfu.ac.ir

چکیده

پیشینه و اهداف: ادبیات جهان، یکی از ابزارهای برقراری ارتباط کودکان با دنیای بیرون است و راهیست برای آشنایی آنها با فرهنگ و تعاملات مردمان کشورهای مختلف. هدف پژوهش حاضر تحلیل تطبیقی میزان بازنمایی ادبیات جهان در کتابهای درسی فارسی دوره ابتدایی ایران و کتابهای آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر است. **روش‌ها:** در این پژوهش از روش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی-کیفی) با رویکرد مقایسه‌ای استفاده شده است که در روش کیفی با بررسی مضامین کتابهای درسی با توجه به ادبیات ملل تحلیل شد. و در روش کمی برای مقایسه از شاخصهای آمار توصیفی استفاده گردید. جامعه آماری ۶ کتاب درسی فارسی دوره ابتدایی در ایران و ۶ کتاب آموزش زبان عربی دوره ابتدایی در مصر است. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که محتوای مربوط به ادبیات جهان در کتابهای فارسی و زبان عربی کمتر از ۵۰٪ بوده و درصد فراوانی و محبوبیت موضوعات مربوط به داستان‌های پندآموزی ادبیات جهان بیشتر از مولفه‌های موجود در متون کتابهای درسی بررسی شده است. **نتیجه‌گیری:** باتوجه به انجام این پژوهش نتایج حاکی از آن است که سهم ادبیات جهان در کتابهای فارسی ایران کمتر از کتابهای زبان عربی مصر است و همچنین از نظر نمادشناسی و مقایسه نمادهای ملی و ملل میزان تشابه بسیار بالاست و نشان از این است که ادبیات جهان به میزان بالایی با ادبیات ملی همخوانی دارد در ادامه پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران آموزشی با تاکید بر توسعه شایستگی‌های بین‌فرهنگی، آشنایی با ادبیات ملل و بهره‌گیری از ظرفیت متون ادبی جهان در فرایند آموزش به بازنگری و ایجاد تنوع بیشتری در متون درسی کتاب فارسی بپردازند.

واژه‌های کلیدی

ادبیات جهان، ایران، برنامه درسی، تحلیل محتوا، زبان فارسی، زبان عربی، کتاب درسی، مصر

۱. نویسنده مسئول:

azare@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

شماره صفحات: ۴۳-۵۴

DOI: 10.48310/edup.2026.22089.1455

شابا الکترونیکی: ۷۱۶۴-۲۶۴۵



©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

آشنایی کودکان با ادبیات جهان، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعامل فرهنگی، نقش بسزایی در گسترش دیدگاه فرهنگی و درک متقابل آن‌ها ایفا می‌کند. از این رو، ادبیات، مرزهای ملی و بومی را درنور دیده و به عرصه بین‌المللی راه یافته است و این گستردگی، زمینه‌های پیوند فرهنگی میان ملت‌ها را فراهم می‌آورد. چنانکه زرین‌کوب (۱۳۹۲) معتقد است، اساساً ادبیات هر ملتی ترکیبی از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی است که برخی از آن‌ها ریشه در فرهنگ دیگر کشورها دارند و این امر، گامی به سوی شناخت نمادهای مشترک ادبی و دسترسی به ادبیات جهانی محسوب می‌شود. مفهوم «ادبیات جهان» نخستین بار توسط گوته در قرن نوزدهم میلادی مطرح شد و به یکی از مباحث چالش‌برانگیز در ادبیات پژوهی تطبیقی بدل گشت (حری، ۱۴۰۳).

جهانی‌شدن ادبیات نه صرفاً از طریق ترجمه، بلکه مستلزم طرح مسائل، تفکر و عمل جهانی و برقراری ارتباط جهانی با مخاطبان است. «ادبیات جهان» می‌تواند به معنای گردآوری ادبیات خلق‌ها و ملت‌های گوناگون جهان نیز باشد (ممتحن و لک، ۱۳۹۲). هدف غایی ادبیات جهان، رفع محدودیت‌های موجود در سنت‌های ادبی ملی و تطبیقی و گشودن افق‌های جدید برای مطالعه زبان‌ها و ادبیات غیر ملی یا منطقه‌ای است. در ایران، به دلیل اهمیت ترجمه ادبی، ادبیات جهان حضوری نسبی یافته است (آزادی‌بوگر، ۱۳۹۴) از مفاهیمی که در ادبیات جهان و به تبع آن در ادبیات فارسی پیشینه‌ای دیرینه وجود دارد؛ نماد، رمز یا سمبل است، تمایل بشر به نگاه عمیق به دنیای پیرامون خود، او را وارد دنیای وسیع رمزها کرده و هرجا توانسته این رمزها را نمود هنری و ادبی بخشیده است. هدف استفاده از نماد، ابهام‌آفرینی و گسترش لایه‌های معنایی است. زیرا علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا می‌کند و او را به سمت لذتی هنری نیز می‌کشاند (شکردست و محجوب، ۱۴۰۴).

با این حال، بهره‌برداری مؤثر و پایدار از ظرفیت‌های ادبیات جهانی، نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش و فرهنگ‌سازی است. نظام آموزشی فعلی کشور، نظامی متمرکز است و برنامه درسی آن عمدتاً بر کتاب درسی استوار است (نیک نفس و علی آبادی، ۱۳۹۲). کتاب درسی، به عنوان اصلی‌ترین و موثق‌ترین منبع آموزشی، نقش محوری در هدایت فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز دارد (میرزایی و قنبری، ۱۴۰۳).

استفاده از ادبیات ملل و نمادشناسی به عنوان یکی از ویژگی‌های ادبیات در مسئله پردازی و شخصیت‌سازی برای انتقال مفاهیم و مضامین در کتاب‌های ابتدایی، در شکل‌گیری و جهت‌گیری روابط ادبی بین ملت‌ها و در نقل و انتقالات فرهنگی نقش مؤثری دارد و جایگاه مهمی در ادبیات تطبیقی ایفا می‌کند. این آشنایی، کودکان را فراتر از مرزهای جغرافیایی با ادبیات دیگر کشورها آشنا می‌سازد و به آن‌ها می‌آموزد که مفاهیم خدانشناسی، انسان‌شناسی و خودشناسی، محدود به مرزهای سرزمین خود نیست و طرز تفکر تمامی انسان‌ها از یک فطرت مشترک نشأت می‌گیرد (محمدرضایی و الیاسی، ۱۳۸۹؛ زارع و دیلمی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین، گنجاندن ادبیات ملل و نمادها می‌تواند به بهبود روابط انسانی در سطح جهانی کمک کند (مرادی نژاد و خوشبخت، ۱۴۰۰). در پژوهش‌های گذشته بیشتر تمرکز بر مقایسه مفاهیمی مانند محیط زیست، گردشگری (زارع زردینی و همکاران، ۱۴۰۴)، جایگاه دین (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۸)، مفهوم وطن (الدنیا و همکاران، ۲۰۲۳) بود. همچنین، تمرکز اغلب مطالعات در زمینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی زبان و ادبیات در دوره ابتدایی، بر میزان توجه به متون ملی، ارزش‌های فرهنگی بومی یا مهارت‌های زبانی بوده و بررسی نظام‌مند میزان بازنمایی ادبیات جهان در این کتاب‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، پژوهش‌های موجود عمدتاً در سطح ملی انجام شده و مطالعات تطبیقی میان نظام‌های آموزشی مختلف، به‌ویژه در کشورهای دارای ساختار برنامه درسی متمرکز، محدود است. به‌طور خاص، مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای به تحلیل تطبیقی میزان بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران و مصر نپرداخته است. همچنین، تحلیل نمادشناختی مضامین مرتبط با ادبیات جهان در متون کتاب‌های درسی، به عنوان

رویکردی برای شناسایی الگوهای معنایی مشترک یا متمایز میان ادبیات ملی و فراملی، در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. از این رو، خلأ پژوهشی حاضر را می‌توان در نبود مطالعه‌ای دانست که به‌صورت هم‌زمان و تطبیقی، بازنمایی ادبیات جهان و مؤلفه‌های نمادشناختی آن را در کتاب‌های درسی زبان مادری دوره ابتدایی در دو نظام آموزشی ایران و مصر مورد بررسی قرار دهد.

لذا، هدف از انجام این پژوهش، بررسی این مسئله است که کودکان در نظام آموزشی ایران و مصر، علاوه بر آشنایی با ادبیات ملی خود تا چه میزان با ادبیات جهان و مفاهیم آن ارتباط برقرار می‌کنند تا درک نمایند که داستان‌ها، عبرت‌ها و آموزه‌های ادبی، محدود به مرزهای جغرافیایی نیستند. انتخاب ایران و مصر در این پژوهش به دلیل ساختار متمرکز برنامه درسی در هر دو کشور و نقش محوری کتاب‌های درسی زبان مادری در دوره ابتدایی است. در هر دو نظام آموزشی، کتاب درسی اصلی‌ترین منبع رسمی انتقال محتوای فرهنگی و ادبی به دانش‌آموزان محسوب می‌شود؛ از این رو، مقایسه میزان بازنمایی ادبیات جهان در این کتاب‌ها می‌تواند تصویری روشن از رویکرد فرهنگی دو نظام آموزشی ارائه دهد. افزون بر این، ایران و مصر از تمدن‌ها و سنت‌های ادبی کهن و غنی برخوردارند و سابقه طولانی تعاملات فرهنگی میان آن‌ها، زمینه شکل‌گیری برخی اشتراکات در مضامین، نمادها و الگوهای ادبی را فراهم کرده است. از این رو، بررسی تطبیقی بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های درسی این دو کشور می‌تواند به شناخت بهتر وجوه اشتراک و افتراق فرهنگی و شیوه‌های بازتاب آن‌ها در نظام‌های آموزشی بینجامد.

از آنجا که معلمان ابتدایی نقش اصلی را در تفسیر، انتقال و غنی‌سازی محتوای کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان بر عهده دارند، چگونگی بازنمایی ادبیات ملل در کتاب‌های درسی می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری تربیت معلم داشته باشد. یافته‌های حاصل از مقایسه نظام‌های آموزشی ایران و مصر می‌تواند شواهدی برای سیاست‌گذاران تربیت معلم فراهم آورد تا در برنامه‌های آماده‌سازی و توانمندسازی معلمان، به توسعه شایستگی‌های بین‌فرهنگی، آشنایی با ادبیات ملل و بهره‌گیری از ظرفیت متون ادبی جهان در فرایند آموزش توجه بیشتری شود. از این منظر، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی محتوای کتاب‌های درسی، می‌تواند در ارائه پیشنهادهایی برای بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌های تربیت معلم نیز سودمند باشد.

این پژوهش ضمن مطالعه این پرسش که آیا کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز، نیازمند بررسی و بازبینی به منظور گنجاندن مؤثر ادبیات جهان هستند یا خیر؟ به طور خاص، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. میزان بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر چگونه است؟

۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در نحوه بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های درسی این دو کشور وجود دارد؟

۳. مقایسه فراوانی نمادهای جهان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی ایران و کتاب‌های آموزش عربی دوره ابتدایی مصر چگونه است؟

بر این اساس، کتاب‌های آموزشی ادبیات دو کشور ایران و مصر مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته تا میزان اهمیت داده شده به ادبیات جهان در آن‌ها مشخص گردد.

در پژوهش‌های پیشین نیز به موضوع ادبیات جهان و مقایسه بازنمایی آن در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف پرداخته شده است. عساکره (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه از منظر محتوا» تمرکز بر جنبه‌های محتوایی و کاربردی ادبیات جهان را در این دوره نشان می‌دهد. در پژوهشی دیگر، رضویان و آزادی (۱۴۰۱) با بررسی مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، اگرچه به‌طور مستقیم به ادبیات جهان نمی‌پردازند، اما تحلیل شیوه بازنمایی عناصر فرهنگی در این کتاب‌ها، نشانه‌هایی از ظرفیت

تعامل و آشنایی با فرهنگ‌ها و ادبیات سایر ملل را آشکار می‌سازد. جعفری و عالی زاده مرشت (۱۳۹۹) در مطالعه انتقادی متون برگزیده از ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوم متوسطه، فقدان توجه به مکتب‌های ادبی و جریان‌های مهم ادبی جهان را مورد تأکید قرار دادند که نشان‌دهنده رویکردی صرفاً محتوایی و نه رویکردی ادبی-تاریخی به ادبیات جهان در این دوره است. حیدری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتب درسی فارسی دوره آموزش عمومی ایران برحسب میزان توجه به ادبیات جهان» ضرورت توجه بیشتر به ادبیات جهان و نحوه ارائه آن در دوره ابتدایی را برجسته می‌سازد. ایشانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «نقش کتاب فارسی بخوانیم دوره ابتدایی در هویت ملی (با تأکید بر فرهنگ و میراث فرهنگی)» اگرچه بر هویت ملی تمرکز دارد، اما می‌تواند نشان‌دهنده اولویت‌های محتوایی در دوره ابتدایی و احتمالاً کمبود توجه به سایر فرهنگ‌ها و ادبیات جهانی باشد.

مقصودی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «آموزش ادبیات جهان در کتاب‌های درسی آموزش زبان فارسی در دوره راهنمایی و متوسطه اول» نیز بر ضرورت بازنگری در نحوه ارائه ادبیات جهان در نظام آموزشی ایران تأکید دارد. کلس و یازان^۱ (۲۰۲۳) در پژوهش طولی خود با عنوان «بازنمایی فرهنگ‌ها و جوامع در یک کتاب درسی جهانی آموزش زبان انگلیسی: یک تحلیل محتوای در طول زمان» دریافتند که تمرکز فرهنگی کتاب‌های درسی آموزش زبان انگلیسی عمدتاً بر جوامع انگلیسی‌زبان غربی، اروپایی و انگلو-آمریکایی است که این نوع بازنمایی محدود، به اندازه کافی آگاهی فرهنگی جهانی زبان‌آموزان انگلیسی را ارتقا نمی‌دهد و تنوع فرهنگی جهان را منعکس نمی‌کند. اندروپ^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با رویکرد انگلیسی به عنوان یک زبان بین‌المللی: ادبیات انگلیسی یا ادبیات به زبان انگلیسی» نشان می‌دهد که رویکرد زبانی غالب، لزوماً منجر به بازنمایی غنی ادبیات بومی نمی‌شود.

موری^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «ادبیات، آموزش ادبیات و زبان انگلیسی به عنوان زبان جهانی: بازنمایی کشورهای مختلف در متون ادبی کتاب‌های درسی آموزش زبان انگلیسی برای دبیرستان سوئد» به مقایسه محتوای ادبی ۱۰ کتاب درسی قبل و بعد از سال ۲۰۱۱ پرداخت. این مطالعه، تأثیر تغییرات برنامه درسی بر محتوای فرهنگی و ادبی کتاب‌های درسی را نشان می‌دهد. عبدالمجید (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «ادبیات کودک و ادبیات تطبیقی: مبانی نظری ادبیات کودک از منظر هنر، آموزش و رابطه آن با ادبیات تطبیقی» به بررسی بنیان‌های نظری ادبیات کودک از دیدگاه هنر، آموزش و ارتباط آن با حوزه ادبیات تطبیقی پرداخته است.

با وجود انجام پژوهش‌های متعدد درباره ادبیات جهان و نیز مطالعات تطبیقی کتاب‌های درسی در دو یا چند کشور، تاکنون پژوهش مستقلی که به بررسی بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های درسی زبان مادری با رویکرد نمادشناختی بپردازد، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد نمادشناسی و تحلیل فراوانی بازنمایی ادبیات جهان، در پی تبیین نقش و تأثیر ادبیات ملل در فرایند یاددهی - یادگیری کودکان و چگونگی بازتاب آن در کتاب‌های درسی است.

روش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی-کیفی) و با رویکرد مقایسه‌ای انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، ۶ جلد کتاب فارسی پایه‌های اول تا ششم دوره ابتدایی ایران (سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴) و ۶ جلد کتاب آموزش زبان عربی پایه اول تا ششم دوره ابتدایی کشور مصر (سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵) است.

واحد تحلیل در این پژوهش مضامین مرتبط با ادبیات جهان در متون کتاب درسی است. به منظور تحلیل محتوای متون، چارچوب مقوله‌بندی پژوهش بر اساس شاخص‌های نمادشناختی ادبیات جهان تدوین گردید. این شاخص‌ها با

استفاده از مرور پیشینه نظری مرتبط با ادبیات تطبیقی و آموزش ادبیات و نیز بررسی اکتشافی متون درسی استخراج گردید. در تحلیل کمی از شاخص‌های آماری توصیفی مانند فراوانی و درصد استفاده شد. به‌منظور بررسی پایایی کدگذاری، ۲۰ درصد از متون به‌صورت تصادفی انتخاب و توسط یک کدگذار دوم مورد تحلیل مجدد قرار گرفتند. ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب کاپای کوهن ۰,۸۲ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار کدگذاری است. به‌منظور بررسی روایی ابزار، چارچوب مقوله‌بندی تدوین‌شده در اختیار ۳ نفر از متخصصان حوزه برنامه درسی و آموزش زبان و ادبیات قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، روایی محتوایی آن تأیید شد.

یافته‌ها

در این پژوهش برای بررسی محتوای درسی درباره جایگاه ادبیات جهان و اهمیت آن در هر دو مجموعه کتاب‌های درسی ایران و مصر شاخص‌هایی مثل داستان‌ها، اشعار، حکایت‌های کوتاه پندآموز، افسانه‌ها و اسطوره‌های تاریخی، زندگینامه مشاهیر جهان، نمادشناسی و شخصیت‌شناسی، تصاویر و غیره مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های مربوط به بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی ایران

در این بخش، میزان بازنمایی مؤلفه‌های ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی پایه‌های اول تا ششم ابتدایی بر اساس واحد تحلیل «متن مستقل آموزشی» شامل داستان، شعر، حکایت و زندگینامه مورد بررسی قرار گرفت. هر متن بر مبنای چهار شاخص اصلی ادبیات جهان شامل: (۱) مضامین خداشناسی و سبک زندگی، (۲) متون پندآموز، (۳) معرفی مشاهیر جهان و (۴) معرفی آثار ادبی جهان کدگذاری شد. جدول (۱) توزیع فراوانی متون مرتبط با ادبیات جهان را در پایه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول (۱) فراوانی حضور متون مربوط به ادبیات جهان به تفکیک هر پایه

پایه تحصیلی	مجموع فراوانی	(درصد)
اول	۱	(۲,۳۲٪)
دوم	۰	(۰)
سوم	۰	(۰)
چهارم	۵	(۱۲,۵٪)
پنجم	۴	(۱۱٪)
ششم	۳	(۵٪)
مجموع	۱۳	(۲۸,۳۲٪)

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در مجموع ۱۳ متن مرتبط با ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی شناسایی شده است. توزیع این متون در پایه‌های مختلف تحصیلی یکنواخت نبوده و بیشترین فراوانی مربوط به پایه چهارم ابتدایی است؛ در حالی که در برخی پایه‌ها، تعداد متون مرتبط با ادبیات جهان محدود گزارش شده است. به‌منظور بررسی نوع بازنمایی ادبیات جهان، متون شناسایی‌شده بر اساس شاخص‌های چهارگانه تحلیل شدند. نتایج حاصل از این تحلیل در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) مجموع فراوانی شاخص‌های ادبیات جهان در کتب درسی فارسی ایران

پایه تحصیلی	فراوانی درصد	خداشناسی و سبک زندگی	پند آموزی	معرفی مشاهیر جهان	معرفی آثار ادبیاتی جهان	فراوانی درصد (مجموع شاخص‌ها)
اول	فراوانی ۰ درصد	۰	۱	۰	۰	۱
	درصد ۰	۰	۷,۶۹	۰	۰	۷,۶۹
دوم	فراوانی ۰ درصد	۰	۰	۰	۰	۰
	درصد ۰	۰	۰	۰	۰	۰
سوم	فراوانی ۰ درصد	۰	۰	۰	۰	۰
	درصد ۰	۰	۰	۰	۰	۰
چهارم	فراوانی ۱ درصد	۱	۳	۱	۰	۵
	درصد ۷,۶۹	۷,۶۹	۲۳,۰۷	۷,۶۹	۰	۳۸,۴۶
پنجم	فراوانی ۲ درصد	۲	۲	۰	۰	۴
	درصد ۱۵,۳۸	۱۵,۳۸	۱۵,۳۸	۰	۰	۳۰,۷۶
ششم	فراوانی ۰ درصد	۰	۲	۰	۱	۳
	درصد ۰	۰	۱۵,۳۸	۰	۷,۶۹	۲۳,۰۷
مجموع	فراوانی ۳ درصد	۳	۸	۱	۱	۱۳
	درصد ۲۳,۰۷	۲۳,۰۷	۶۱,۵۳	۷,۶۹	۷,۶۹	۱۰۰

مطابق یافته‌ها، شاخص «متون پندآموز» با فراوانی ۸ مورد (۵۳/۶۱ درصد)، بیشترین سهم را در میان متون مرتبط با ادبیات جهان به خود اختصاص داده است. پس از آن، شاخص «مضامین خداشناسی و سبک زندگی» با ۳ مورد (۰۷/۲۳ درصد) در رتبه دوم قرار دارد. شاخص‌های «معرفی مشاهیر جهان» و «معرفی آثار ادبی جهان» نیز هر یک با فراوانی ۱ مورد (۶۹/۷ درصد)، کمترین میزان حضور را در محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی نشان می‌دهند. بر این اساس، نتایج تحلیل کمی بیانگر آن است که بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی عمدتاً در قالب متون پندآموز و اخلاقی صورت گرفته و سایر ابعاد ادبیات جهان، از جمله معرفی شخصیت‌ها و آثار ادبی برجسته جهانی، سهم کمتری در محتوای این کتاب‌ها داشته‌اند.

یافته‌های مربوط به بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر

به‌منظور بررسی میزان بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر، کلیه متون آموزشی مستقل شامل داستان، شعر، متن اطلاعاتی و زندگینامه در پایه‌های اول تا ششم ابتدایی بر اساس چهار شاخص اصلی ادبیات جهان شامل: (۱) مضامین خداشناسی و سبک زندگی، (۲) متون پندآموز، (۳) معرفی مشاهیر جهان و (۴) معرفی آثار ادبی جهان کدگذاری شدند. نتایج حاصل از تحلیل کمی متون شناسایی شده در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) فراوانی حضور متون مربوط به ادبیات جهان به تفکیک هر پایه

پایه تحصیلی	مجموع فراوانی	(درصد)
اول	۰	۰
دوم	۲	۲(۵,۵۵٪)
سوم	۰	۰
چهارم	۱	۱(۲,۸۵٪)
پنجم	۶	۶(۱۸,۷۵٪)
ششم	۱	۱(۴,۱۶٪)
مجموع	۱۰	۳۱,۳۱٪

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در مجموع ۱۰ متن مرتبط با ادبیات جهان در کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر شناسایی شده است. توزیع این متون در پایه‌های مختلف تحصیلی یکنواخت نبوده و بیشترین فراوانی مربوط به پایه پنجم ابتدایی با ۶ متن (۷۵/۱۸ درصد) است. در پایه‌های اول و سوم ابتدایی، متنی مرتبط با ادبیات جهان مشاهده نشد؛ در حالی که در پایه‌های دوم، چهارم و ششم به ترتیب ۲، ۱ و ۱ متن مرتبط شناسایی شد. بر این اساس، مجموع متون مرتبط با ادبیات جهان، ۳۱/۳۱ درصد از کل متون آموزشی کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی را تشکیل می‌دهد.

به‌منظور بررسی نوع بازنمایی ادبیات جهان، متون شناسایی شده بر اساس شاخص‌های چهارگانه تحلیل شدند. نتایج حاصل از این تحلیل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) مجموع فراوانی شاخص‌های ادبیات جهان در کتب درسی زبان عربی مصر

پایه تحصیلی	فراوانی درصد	خداشناسی و سبک زندگی	پند آموزی	معرفی مشاهیر جهان	معرفی آثار ادبیاتی جهان	فراوانی درصد (مجموع شاخص‌ها)
اول	فراوانی	۰	۰	۰	۰	۰
درصد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دوم	فراوانی	۰	۰	۲	۰	۲
درصد	۰	۰	۰	٪۲۰	۰	٪۲۰
سوم	فراوانی	۰	۰	۰	۰	۰
درصد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
چهارم	فراوانی	۰	۱	۰	۰	۱
درصد	۰	٪۱۰	۰	۰	۰	٪۱۰
پنجم	فراوانی	۰	۴	۱	۱	۶
درصد	۰	٪۴۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۶۰
ششم	فراوانی	۱	۰	۰	۰	۱
درصد	٪۱۰	۰	۰	۰	۰	٪۱۰
مجموع	فراوانی	۱	۵	۳	۱	۱۰
درصد	۱۰	٪۵۰	٪۳۰	٪۱۰	۰	۱۰۰

مطابق یافته‌ها، شاخص «متون پندآموز» با فراوانی ۵ مورد (۵۰ درصد)، بیشترین سهم را در میان متون مرتبط با ادبیات جهان به خود اختصاص داده است. پس از آن، شاخص «معرفی مشاهیر جهان» با فراوانی ۳ مورد (۳۰ درصد) در رتبه دوم قرار دارد. شاخص‌های «مضامین خداشناسی و سبک زندگی» و «معرفی آثار ادبی جهان» نیز هر یک با فراوانی ۱ مورد (۱۰ درصد)، کمترین میزان حضور را در محتوای این کتاب‌ها نشان می‌دهند.

بر این اساس، نتایج تحلیل کمی نشان می‌دهد که بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره ابتدایی مصر عمدتاً در قالب متون پندآموز و معرفی شخصیت‌های علمی و فرهنگی صورت گرفته و سایر ابعاد ادبیات جهان، از جمله معرفی آثار ادبی شاخص، سهم کمتری در محتوای این کتاب‌ها داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی حضور ادبیات جهان در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کشورهای ایران و مصر، به تحلیل محتوای این کتاب‌ها پرداخت. این پژوهش که شامل تحلیل محتوای ۶ جلد کتاب فارسی ایران و ۶ جلد کتاب آموزش زبان عربی مصر در مقطع ابتدایی بود، نشان داد که هر دو نظام آموزشی، اگرچه با تفاوت‌هایی در رویکرد،

گستره و عمق، به گنجاندن نمونه‌هایی از ادبیات جهان در برنامه درسی خود توجه نشان داده‌اند. این توجه را می‌توان ناشی از درک اهمیت ادبیات در شکل‌دهی به هویت فرهنگی، تقویت مهارت‌های زبانی و شناختی و پرورش نگرش‌های بین فرهنگی در دانش‌آموزان دانست (ایزدی، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخی از پایه‌های تحصیلی در هر دو کشور، فاقد محتوای قابل‌توجهی از ادبیات جهان هستند. به طور خاص، پایه‌های دوم و سوم ابتدایی در ایران و پایه‌های اول و سوم ابتدایی در مصر، کمترین میزان بهره‌مندی از این نوع محتوا را دارند. این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده تمرکز این پایه‌ها بر آموزش مهارت‌های پایه زبانی و شناختی و در نتیجه، غفلت نسبی از ظرفیت‌های ادبیات جهان در پرورش ابعاد فرهنگی و بین فرهنگی دانش‌آموزان باشد (یوسفی، ۱۳۹۵). حال آنکه، ادبیات جهان می‌تواند از طریق مواجهه زود هنگام کودکان با متون متنوع، قوه تخیل، تفکر انتقادی و همدلی را در آنان تقویت کند (ترکی، ۱۳۸۴).

از نظر تحلیل کیفی، نتایج نشان می‌دهد که ادبیات ملل با ادبیات ملی ایران همخوانی قابل توجهی دارد و نمادهای به کاررفته در متون ادبی در فرهنگ‌های مختلف، تا حد زیادی معانی مشترکی را بازنمایی می‌کنند. با این حال، باید توجه داشت که تحلیل نمادهای فرهنگی و ادبی در این پژوهش فاقد اتکای صریح به یک چارچوب نظری مشخص در حوزه نمادشناسی ادبی بوده و این امر می‌تواند بر عمق تفسیرهای کیفی تأثیرگذار باشد.

در مقابل، یافته‌های کمی نشان می‌دهد که فراوانی محتوای ادبیات جهان در پایه چهارم (۱۲٫۵٪) در ایران و پایه پنجم (۱۸٫۷۵٪) در مصر به طور قابل توجهی بیشتر است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده افزایش تدریجی توجه به نقش ادبیات جهان در برنامه درسی با افزایش سن و رشد شناختی دانش‌آموزان باشد. با این حال، توزیع نامتوازن این محتوا در طول دوره ابتدایی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا دانش‌آموزان در تمامی پایه‌ها به طور یکسان از فواید آن بهره‌مند می‌شوند یا خیر؟

استفاده از داستان‌های کتاب معروف ادبیات جهان «کلیله و دمنه» در کتاب‌های هر دو کشور مشترک بود، به‌طوری که هدف آشکار این داستان‌ها بیان پند و اندرز از زبان حیوانات برای کودکان است. در کتاب فارسی پایه اول، پنجم و ششم ابتدایی ۴ بار و در کتاب‌های زبان عربی مصر در پایه پنجم نیز ۴ بار داستان‌هایی از این اثر و همچنین متنی در معرفی آن ارائه شده است که دانش‌آموزان را به مطالعه این کتاب ترغیب می‌کند. حضور این اثر در کتاب‌های درسی هر دو کشور، نشان‌دهنده اهمیت آن به عنوان یک اثر کلاسیک با ارزش‌های نسبتاً جهان‌شمول است.

با این حال، تفاوت‌هایی در رویکرد کلی به ادبیات جهان در کتاب‌های درسی دو کشور مشاهده می‌شود. در کتاب‌های فارسی ایران، تمرکز بیشتری بر ادبیات کشورهای اروپایی و آمریکایی است که می‌تواند ناشی از تأثیرپذیری نظام آموزشی ایران از سنت‌های ادبی غربی و همچنین در دسترس بودن ترجمه‌های این آثار باشد. در مقابل، کتاب‌های آموزش زبان عربی مصر بیشتر بر ادبیات جهان عرب و معرفی مشاهیر علمی و ادبی غیر مصری تمرکز دارند و تلاش شده است تا دانش‌آموزان با دستاوردهای علمی و فرهنگی ملل مختلف آشنا شوند.

در مجموع، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران و مصر نشان می‌دهد که هر دو کشور ادبیات جهان را به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف آموزشی گوناگون به کار می‌گیرند، هرچند میزان و نحوه بهره‌گیری از آن در پایه‌های مختلف یکسان نیست. همچنین نتایج نشان داد که مفاهیم مرتبط با خداشناسی و سبک زندگی در کتاب‌های فارسی ایران نسبت به کتاب‌های منتخب مصر بیشتر مورد توجه قرار گرفته، در حالی که استفاده از معرفی مشاهیر جهان در کتاب‌های آموزش زبان عربی مصر به طور محسوسی بیشتر از کتاب‌های فارسی بوده است.

نتایج پژوهش نشان داد که بازنمایی ادبیات جهان در کتاب‌های درسی ابتدایی محدود و نامتوازن است و در برخی پایه‌ها حضور بسیار اندکی دارد. این یافته حاکی از آن است که معلمان برای جبران این محدودیت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادبیات ملل در توسعه نگرش‌های بین فرهنگی دانش‌آموزان، نیازمند برخورداری از دانش و شایستگی‌های حرفه‌ای متناسب هستند. از این رو، توجه به آموزش بین فرهنگی و آشنایی با ادبیات ملل در برنامه‌های تربیت معلم اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که کتاب‌های درسی مصر به معرفی مشاهیر جهان توجه بیشتری داشته‌اند، در حالی که کتاب‌های فارسی بیشتر بر مضامین خدانشناسی و سبک زندگی متمرکز بوده‌اند. این تفاوت می‌تواند شواهدی برای سیاست‌گذاران تربیت معلم فراهم آورد تا در بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان و طراحی برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، زمینه‌آشنایی بیشتر آنان با ظرفیت‌های آموزشی ادبیات جهان و کاربرد آن در تقویت فهم و تعاملات بین‌فرهنگی دانش‌آموزان را فراهم سازند.

با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است؛ از جمله تمرکز بر محتوای کتاب‌های درسی بدون بررسی میزان تأثیر این محتوا بر نگرش‌ها و درک دانش‌آموزان، محدود بودن دامنه پژوهش به دو کشور ایران و مصر و نیز فقدان بهره‌گیری از یک چارچوب نظری منسجم در تحلیل نمادهای ادبی که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهای

در پایان، با توجه به بررسی‌ها و مقایسه‌های انجام‌شده و اهمیت آشنایی دانش‌آموزان با ادبیات و مشاهیر جهان، پیشنهاد می‌شود در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از زندگی‌نامه مشاهیر جهان استفاده بیشتری شود. همچنین پراکندگی محتوای مربوط به ادبیات جهان در تمامی پایه‌های تحصیلی متوازن‌تر گردد. به این معنا که در کتاب‌های فارسی پایه دوم و سوم ابتدایی، متونی از ادبیات ملل افزوده یا جایگزین شود تا دانش‌آموزان در سال‌های اولیه تحصیل نیز فرصت آشنایی با تنوع فرهنگی و ادبی جهان را داشته باشند. از منظر سیاست‌گذاری تربیت معلم، پیشنهاد می‌شود توسعه شایستگی‌های بین‌فرهنگی، آشنایی با ادبیات ملل و بهره‌گیری آموزشی از متون ادبی جهانی در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان و سایر مراکز تربیت معلم مورد توجه بیشتری قرار گیرد. همچنین، طراحی و اجرای دوره‌های ضمن خدمت برای توانمندسازی معلمان ابتدایی در زمینه آموزش بین‌فرهنگی و استفاده از ظرفیت‌های ادبیات جهان می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و گسترش نگرش‌های جهانی در میان دانش‌آموزان کمک کند. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود در فرایند بازنگری کتاب‌های درسی، به یافته‌های پژوهش‌های حوزه تربیت معلم و آموزش بین‌فرهنگی توجه بیشتری شود تا پیوند میان اهداف برنامه درسی و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان تقویت گردد.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش با همکاری نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی

طرح تحقیقاتی.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

References

- Abdul Majid H. (2012). Children's Literature and Comparative Literature. Arabic Language, 14(1), 45-63.
- Al-Dunya Sable, Nazari Najmeh, Masbouq Seyed Mahdi. (2023). Comparing the concept of homeland in Persian books of Iran and Al-Arabiya Syria in the primary school.

- Andarab, M. S. (2019). The content analysis of the English as an international language-targeted coursebooks: English literature or literature in English? *Kıbrıslı Eğitim Bilimleri Dergisi*, 14(1), 69-79.
- Asakere, Nahid. (1402). A Study of World Literature in Secondary Textbooks of the Academic Year 1300/1400 in Terms of Content. *Research in Persian Language and Literature Teaching*. 4(2), 75-98. [In Persian]
- Azadi-Boger, Omid. (2015). Republic of World Literature, Translation and Colonialism. *Literary Criticism*, 29(8). 7-30. [In Persian]
- Elementary Arabic textbooks (2024), Egypt. <https://moe.gov.eg//ar/elearningenterypage/e-learning/?schoolStageld=1582&schoolYearId=1935&contentType=7597&pageIndex=0&sortBy=0>
- Hari. (1403). An examination of the concepts of world literature, universal literature, and patriotic literature in the light of comparative literature. *Literary Criticism*, 17(67)- 139-184 [In Persian]
- Heydari, R. (2019). Content analysis of Persian textbooks in Iranian general education in terms of the level of attention to world literature; a comparative approach. *Iranian Quarterly of Comparative Education*, 230-243, (2)2. [In Persian]
- Ishani, Hajihosseini, Manijeh. (2017). The role of the Persian book Let's Read in the Primary School in National Identity: (With Emphasis on Culture and Cultural Heritage). *National Studies*, 70(18). 115-132. [In Persian]
- Izadi, S. (2020) *Comparative Literature: Theories and Methods*. Samt Publications. [In Persian]
- Jafari, S.; Aalizadeh Marsht, M. (2020). A critical study of selected texts from world literature in Persian books for the second grade in the absence of literary schools. *Progress in the Education of Human Sciences*, (18) 6. 41-56. [In Persian]
- Keles, U. & Yazan, B. (2023). Representation of cultures and communities in a global ELT textbook: A diachronic content analysis. *Language Teaching Research*, 27(5), 1325-1346.
- Maqsoodi, Mojtaba. (2014). Teaching World Literature in Persian Language Textbooks in Middle and High School. *Persian Language and Literature Teaching Conference*. [In Persian]
- Mirzaei, Rabe'ah; Ghanbari, Seyyed Yasin. (2014). Content Analysis of a Seventh Grade Dari Textbook with an Active and Passive Approach. (1)1, 30-42 [In Persian]
- Mohammad Rezaei, Mohammad; Ilyasi, Mohammad Qasem. (1389). Argument of Nature's Proof of God. 55(15), 51-72 [In Persian]
- Moradinejad, R.; Khoshbakht, A. (1400). A Comparative Study of Positivist Attitude in Persian Literature and Literature of Other Nations. *International Journal of Nations Research* 69.131-151 [In Persian]
- Muir, H. (2019). Literature Education and English as a World Language: Various countries' representation in literary texts in coursebooks in English education for upper secondary school in Sweden.
- Mumtehan, Mehdi and Lak, Iran. (2013). The Role of Translation in Comparative Literature and Contemporary Fiction (with Emphasis on Persian and Arabic Literature). *Translation Research in Arabic Language and Literature*, 3(9), 119-141. [In Persian]
- Nik Nafs, Saeed and Aliabadi, Khadija. (2013). The Role of Content Analysis in the Teaching Process and Designing Textbooks. *World Journal of Media - Persian Edition*. 8(2). [In Persian]
- Persian Books for Elementary School (1403). General, Secondary and Theoretical Textbooks Compilation Office, Tehran, Iran. <http://www.chap.sch.ir/> [In Persian]
- Razavian, Hossein and Azadi, Tahereh. (2019). Review of the collection of books "Let's learn Persian" from the perspective of cultural semiotics. *Research Journal of Teaching Persian to Non-Persian Speakers*. 11(1), 218-242 [In Persian]
- Shaabani Reza, Mehri Farshid, Mansour Bakht Qobad. (2019). The Place of Religion in Some Textbooks of the First Pahlavi Period (History, Religious Education, Persian Literature). [In Persian]

- Shekardast, Fatemeh and Mahjoub, Fereshteh. (2014). Structural Links of Symbol in Neoclassical Poetry and Its Representation in the Ghazals of Mohammad Saeed Mirzaei. Literary Arts [In Persian]
- Turki, Mohammad Reza. (2005). Rasoul Mah. Journal of Literature and Humanities, University of Tehran. 145173.152 [In Persian]
- Yousefi, A.; (2016) History of Iranian Literature. Tehran University Press. [In Persian]
- Zare Zardini, Ali Sofi, Elah Nazar, Izadian, Javedani. (2019). Comparative content analysis of social science textbooks in primary school in Iran and Egypt in the academic year 1402-1403 based on the tourism component. Quarterly of Tourism Management Studies, 20(70). [In Persian]
- Zare, Gholamali, Deylami. (2019). The relationship between manners and literature and ethics (latest revision). Persian Language and Literature (Islamic Azad University, Sanandaj Branch). 39(11), 70-98. [In Persian]
- Zarrinkoob, Abdul Hossein, (2013). Literary Criticism: A Search in Principles, Methods and Critical Topics with a Study in the History of Criticism and Critics. Amir Kabir [In Persian]